

عنوان مقاله:

روانشناسی شخصیت رستم و سهراب با توجه به نظریه کهن الگوی پیرسون مار

محل انتشار:

ششمین همایش ملی پژوهش های حرفه ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسنده:

حمید آری براری - دبیر متوسطه دومکارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

خلاصه مقاله:

شاهنامه فردوسی، صحنه نمایش شخصیت های مختلف، متفاوت و گاه ضد و نقیضی است که خواننده با خواندن آن می تواند تصویری از شخصیت خود در آن جستجو کند. در میان شاعران پارسی گو، فردوسی را باید سرسلسله آن سلاسه رنج و دهشتی دانست که از قرن چهارم هجری تا به امروز، با تعهد انسانی و خلاقیت هنری خود کوشیده است عاطفه زخم خورده و هویت ایضا انسان زمینی را روسوی طلیعه تاریخی که آرزو می - شود، مرهم نهد. بر اساس مکتب روانشناسی تحلیلی که بر مبنای تجربیات کارل گوستاو یونگ بنا شد، افرادی چون کارول پیرسون و هیو. کی. مار دنباله رو این مکتب شدند. این دو روانشناس با معرفی دوازده کهن الگو و طراحی آزمون بی. ام. ای. آی. به شناسایی کهن الگوی شخصیتی افراد مختلف پرداختند. مبنای نظریه کهن الگو پیرسون. مار عبارتند از: معصوم، یتیم، جنگجو، حامی، جستجوگر، عاشق، نابودگر، آفرینش گر، حاکم، جادوگر، فرزانه و دلچک. در این مقاله، شخصیت رستم و سهراب بر اساس کتاب شاهنامه در قالب کهن الگوهای دوازدهگانه پیرسون. مار بررسی، و سفر قهرمانی این دو شخصیت مورد ارزیابی قرار می گیرند. شناخت این کهن الگوها، آنها را به عنوان شخصیت ها و الگوهای شاخص در جامعه معرفی می کند و راه را برای شناخت افراد مختلف باز می گذارد. به نظر می رسد کهن الگوی معصوم و جنگجو در ابتدای امر و پس از آن، الگوی جستجوگر در شخصیت رستم و سهراب بیشتر دیده می شود.

کلمات کلیدی:

روانشناسی شخصیت، کهن الگو، سفر قهرمان، رستم و سهراب.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2080362>

